

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال یازدهم
شماره ۱۳۰ دی ماه ۱۳۸۹ - ژانویه ۲۰۱۱

گزارش سیاسی به کنگره چهارم حزب کار ایران (توفان)

تاریخ بشریت تاریخ مبارزه طبقاتی است. مبارزه طبقات که دارای منافع متضاد گوناگون اند بطور عمده در عرصه سیاسی صورت می گیرد. این مبارزات سیاسی در جهان است که جهت تحول و سیمای سیاسی کنونی جهان را ترسیم می کند. بنظر مارکسیست لنینیستها آن تضادهائی در جهان که بیانگر وضعیت فعلی بوده و شناخت نسبت به آنها به کمونیستها یاری می رساند تا روند تحولات را بهتر بشناسند عبارتند از:

تضاد میان طبقه کارگر و بورژوازی در تمام جوامع سرمایه داری بعنوان تضاد کار و سرمایه.

تضاد میان خلقهای تحت ستم و امپریالیستها.

این دو تضاد، دو تضاد دورانساز کنونی... ادامه در صفحه ۳

ابزارهای اعمال نفوذ اقتصادی

نقل از سند گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره چهارم حزب

بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی ابزارهایی است که امپریالیستها در دست دارند تا کنترل اقتصادی سایر ممالک را بدست گرفته در برنامه ریزیهای اقتصادی آنها در جهت منافع سرمایه داران بزرگ اعمال نفوذ و حتی جهت تحول آنها تعیین نمایند. از طریق این ساز و کار، مقدار وام و شرایط پرداخت وام، نوع و مقدار سرمایه گذاریها، عرصه های... ادامه در صفحه ۵

محیط زیست و انرژی جایگزین

نقل از سند گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره چهارم حزب

ممالک امپریالیستی اروپا و آمریکا با تبلیغ فرهنگ مصرفی و افزایش تولید بی رویه برای کسب سود حداکثر مسئولیت واقعی آلودگی محیط زیست را بعهده دارند. آنها در قرن گذشته خوردند و بردند و به اقتصاد خویش به بهای نابودی محیط زیست که متعلق به تمامی بشریت است سر و صورت دادند و تجارب فراوان کسب نموده و به فن آوری پیشرفته دست یافتند. در اثر این ریخت پاش... ادامه در صفحه ۶

مبارزه با نهضت‌های رهایی بخش و نقش اسلام و تروریسم

نقل از سند گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره چهارم حزب

پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که ماهیت دوران و چهره سیاسی جهان را تغییر داد امپریالیستها نه تنها به محاصره شوروی پرداختند، نه تنها ۱۴ کشور امپریالیستی به آنها حمله کردند، نه تنها بخش‌هایی از خاک شوروی را از وی جدا ساخته به لهستان ملحق کرده و بزیر نفوذ امپریالیستی کشاندند، بلکه از... ادامه در صفحه ۸

صهیونیسم و صلح در خاورمیانه

نقل از سند گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره چهارم حزب

سرزمین فلسطین ده ها سال است که در اشغال بسر می برد. اسرائیل به عنوان یک نیروی نژادپرست و اشغالگر هر روز به توسعه مناطق اشغالی می افزاید و دنیا را در مقابل اعمال انجام شده قرار می دهد. اسرائیل که یک دولت صهیونیستی بر راس امورش قرار دارد برای توسعه و حفظ مناطق اشغالی و پاک کردن آنها از وجود مردم فلسطین از هیچ جنایتی رویگردان نیست. آنها از بمب خوشه ای و بمب فسفر برای اهداف ضد بشری خویش استفاده می کنند. هم اکنون سیاست اشغالگری خویش را با محاصره نوار غزه و ساختن آبادی نشینهای یهودی ادامه می دهند. آنها در حالیکه بسیاری از ممالک را اشغال کرده اند از صلح به صورت تاکتیکی و برای فریب افکار عمومی دم می زنند. با یک قدرت اشغالگر... ادامه در صفحه ۹

برگزاری موفقیت آمیز کنگره چهارم حزب کار ایران (توفان)

چهارمین کنگره حزب کار ایران (توفان) در سال گذشته میلادی و ۱۳۸۹ شمسی با موفقیت تشکیل شد و با موفقیت به پایان رسید.

حزب ما بر اساس مرکزیت دموکراتیک شکل گرفته است و بر این اساس نیز عمل می کند. در شرایط کار مخفی تکیه عمده بر مرکزیت است و دموکراسی از طریق مرکزیت شکل می گیرد. این یک اصل دیالکتیکی مارکسیستی لنینیستی است. در شرایط خفقان، در شرایطی که مامورین امنیتی و لباس شخصیهای فکل کراواتی در همه جا وول می خورند تکیه عمده بر جنبه پنهانکاری است و نه بر علنی گرائی. علنی گرائی یک بیماری بورژوائی لیبرالی است که با رفتار خود ثابت می کند به صداقت خویش مبنی بر آنچه می گوید نیز ایمان نداشته و می خواهد گواهینامه "دموکراتیک" بودن خویش را از بورژوازی کسب کند. می خواهد بورژواها برایش دست بزنند و سالن کنگره اش به محیط آشفته ای از ایدئولوژیهای التقاطی و مامورین پلیس بدل شود. آنها بیک محیط عسس بیا مرا بگیر بیشتر نیاز دارند تا یک محیط مبارزاتی کمونیستی. همین روش کار نشان می دهد آنها تا به چه درجه نسبت به کار خویش جدی هستند. حزب آنها به کیفیت اهمیت نمی دهد برایش سیاهی لشکر و کمیت مطرح است.

حزب ما در چنین... ادامه در صفحه ۲

به حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

ارسال داشتند. پاره ای از آنها که از طرف مرکزیت حزب درست تشخیص داده شد در متن گزارش سیاسی منظور شد و پاره ای از آنها نیز مستقیماً به بحث کنگره گذارده شد.

سالن کنگره با تصاویر مارکس، انگلس، لنین، استالین و بنیانگذاران مبارزه ضد رویزینیستی و بنیانگذاران سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان رفق قاسمی، فروتن و سغائی تزئین شده بود. تصویر ایستاده و بزرگ لنین بر دیوار آویخته بود و گوئی بر کار کنگره حزبی ما که راه بلشویسم را ادامه می دهیم نظارت می کرد.

کنگره با یک دقیقه سکوت در احترام به جان باختگان راه آزادی و استقلال ایران، جانبختگان راه آزادی طبقه کارگر و

جانبختگان توفانی آغاز به کار کرد و نشان داد که سنگرهای مبارزه مردم میهن ما و طبقه کارگر ایران هرگز خالی نمی ماند.

پس از تأیید نمایندگان اعزامی به کنگره از کشورهای مختلف دستور جلسه تعیین شد و گزارش سیاسی که مورد مطالعه رفقا قرار گرفته بود در کلیت خود و در زمینه

پیشنهادات ارسالی به بحث گذارده شد. پس از گزارش سیاسی گزارش مالی و تشکیلاتی و روابط خارجی و ایران بیان گشت و باتفاق آراء مورد تأیید کنگره حزبی قرار گرفت. سپس کمیسیونهای مربوطه تشکیل و شروع به کار کرد. در نشست بعدی قطعنامه ها و پیامها پس از بحث و تبادل نظر مورد تصویب و تأیید کنگره قرار گرفت.

در زمینه سیاسی دو تغییر در ارزیابیهای حزب به چشم می خورد یکی در عرصه جهانی بود که طبیعتاً باید به مسئله بحران مالی جهان امپریالیستی برخورد می کرد و آنرا در گزارش سیاسی خویش مد نظر قرار می داد و دیگر مسئله ارزیابی حزب ما در مورد تغییر ترکیب طبقاتی دولت و هیات حاکمه ایران بود. حزب به تجزیه روحانیت و کاهش نقش بورژوازی سنتی تجاری اشاره کرد و نقش بورژوازی بروکرات را که با تکیه بر درآمد... ادامه در صفحه ۳

غیر رویزینیستی حزب توده ایران، سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان و حزب کار ایران(توفان) است حزب ما به تدارک کنگره چهارم دست زد.

تدارک کنگره از مدتها قبل فراهم شده بود ولی به علت زمستان سختی که پیش آمد امکان شرکت همه نمایندگان در کنگره حتمی نبود خطر به تاخیر افتادن کنگره برای مدت چند ماه حداقل از جانب پاره ای از رفقا مطرح بود. کمیته مرکزی حزب پس از بحث و تبادل نظر با رفقا تصمیم گرفت کنگره را به علت مسایل مهمی که در پیش بود حتماً برگزار کند. رفقا با فداکاری و ایمان به حزب در شرایط سختی خود را به محل کنگره رساندند. تنها یک رفیق موفق نشد که در

برگزاری موفقیت آمیز کنگره...

شرایطی کنگره چهارم خویش را برگزار کرد و تمام اهرمهای ممکن را بکار گرفت تا با توجه باین شرایط سخت حداکثر امکانات دموکراتیک را برای اظهارنظر و تصمیم گیری با رعایت پنهانکاری و شرکت رفقا با نام مستعار در کنگره بوجود آورد. این اقدام حزب ما یک اقدام تشریفاتی و زینتی نیست از روی کمال اعتقاد صورت می گیرد زیرا ما برآنیم که اتخاذ یک روش دموکراتیک کار، تکیه به کار جمعی همه رفقا و شرکت آنها در مهمترین تصمیمات، به تقویت حزب منجر می شود و رفقای حزبی ما در این روند با روحیه دموکراتیک و کار حزبی آشنا شده با آگاهی تمام از تصمیمات کنگره که در



کنگره حضور داشته باشد. برای تدارک کنگره کمیته مرکزی حزب طرح گزارش سیاسی و ارزیابی های جدید و تکمیلی را از قبل تهیه کرده در اختیار رفقای حزبی قرار داده بود. در کنار آن کمیته مرکزی حزب موضوعات قطعنامه ها و پیامها را با رفقای حزبی طرح نموده و پیشنهادات آنها را برای تهیه اسناد کنگره مورد نظر قرار داده بود. بر اساس بحثهایی که در دو سمینار پیش کنگره صورت پذیرفت گزارش سیاسی و قطعنامه ها و پیامها به نگارش در آمد و دو ماه قبل از کنگره برای اظهار نظر برای رفقای حزبی ارسال شد. رفقا موظف شدند که طرح تهیه شده توسط کمیته مرکزی را قرائت کنند و پیشنهادات ارسالی خویش را برای دفتر حزب ارسال دارند.

رفقای حزبی پس از دریافت گزارش و مطالعه آن پیشنهادات خویش را برای حزب

مبارزه ای دموکراتیک تولد یافته حمایت می کنند. دستوراتی که ضمانت اجرایی نداشته و از روی بی میلی تنها بر اساس کوماندیسم صورت پذیرند عمر کوتاهی خواهند داشت. باین جهت مرکزیت حزبی ما یک مرکزیت دموکراتیک است و تنها به این اعتبار مورد احترام و اعتماد رفقای حزبی است. رفقا باید درک کنند که حزب با توجه به شرایطی که در آن زندگی می کند حداکثر دموکراسی ممکن را ایجاد کرده است بطوریکه جای انتقاد و خرده گیری بر کسی باقی نمی ماند. این امر به حزب تنها قدرت می دهد و حزب ما را در مبارزه طبقاتی تقویت می کند و سدی در مقابل تبلیغات شوم ایدئولوژیک دشمنان ایجاد می نماید. در حزب ما جایی برای فراکسیونیسم نیست. با آگاهی از این روند و آموزش از آن که ناشی از تجربه حزب ما از دوران گذشته جنبش کمونیستی یعنی حزب کمونیست ایران، دوران انقلابی و

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران

برگزاری موفقیت آمیز کنگره ...

نفت یک نظام سیاسی-اقتصادی-امنیتی- نظامی ایجاد کرده است مورد بررسی قرار داد. این تجزیه و تحلیل بررسی جدیدی از وضعیت طبقاتی در ایران بود که به اطلاع کنگره رسید و کنگره در مورد آن تصمیم گرفت. منطق بر این مصوبات جدید برنامه حزب نیز به موازات آن با همین محتوی جدید تغییر یافت.

در کنگره در یک مورد که دارای اهمیت فراوان بود رفیقی در یک ماه قبل از کنگره مطالبی ارسال کرده بود که این مطالب برای آگاهی و مطالعه رفقا ارسال شد. هیات مرکزی بر این نظر بود که تنها بحث و آمادگی برای بحث در این مورد خاص به ماهها وقت نیاز دارد و نمی توان با یک برخورد صوری دموکراتیک از یک اصل آزموده یک قاعده بی محتوی و بروکراتیک ساخت و فورا از کنگره خواست که در مورد این نظریه جدید مبتنی بر تغییر یکی از مصوبات حزب که البته در تعیین سرشت و ماهیت حزب کوچکترین تغییری نمی دهد اظهار نظر قطعی کند. درست است که کنگره عالیترین قدرت تصمیم گیرنده در حزب است ولی تصمیم گیری باید بر اساس آگاهی و بر اساس تدارک و آمادگی قبلی برای همه رفقا بوده و زمینه آن از قبل با زمان کافی فراهم شود تا در کنگره کسی مصرف کننده نبوده و تولید کننده باشد و خلاقانه در بحثها شرکت کرده راه حل عملی پیدا کند. زیرا هدف از بحثها و تصمیمات به کرسی نشاندن حرف این یا آن رفیق نیست، پیشبرد کار حزب در مجموع خود بر اساس مارکسیسم لنینیسم است، تقویت حزب بر اساس خط مشی صحیح آن است. بر اساس آگاهی و انضباط آگاهانه است تا تصمیمات کنگره به نیروی مادی در درون حزب بدل شود. در غیر این صورت چسبیدن به شکل و دور افتادن از محتوی و برخورد غیر دیالکتیکی به مسایل از یک اصل دموکراتیک یک اصل بروکراتیک می سازد که بهمه صدمه می زند. بر این اساس در کنگره بحث شد. در مورد پیشنهاد رفیق که قبل از کنگره رسیده بود رفقای هیات مرکزی توضیح دادند و با تکیه بر اهمیت نظریات رفیق که به بحث همه جانبه و عمیقی نیاز دارد تفاوت دموکراسی آگاهانه و بروکراتیک را تشریح نمودند و پیشنهاد کردند که کنگره به صورت جداگانه زمانی را برای بحث در این مورد در نظر بگیرد تا در طی بحث نقطه نظرات روشن شود. بر اساس این نقطه نظرات رفقای حزبی موظفند با مطالعه پاره ای

اسنادی که بر شمرده شد خود را برای یک مبارزه تنوریک سیاسی آماده کنند و حزب در طی یک سمینار داخلی و حتی اگر نیاز بود در طی چندین سمینار داخلی و انتشار اسناد لازم، خویش را برای اتخاذ تصمیم نهائی آماده گرداند. کنگره با درک کمیته مرکزی از رابطه دموکراسی و بروکراسی، مرکزیت و دموکراتیسم، اهمیت تصمیمات کنگره به مثابه عالیترین مرجع حزبی و به همین جهت تدارک اسناد لازم برای تصمیمگیری آگاهانه در این عالیترین مرجع حزبی موافق بود و باتفاق آراء پیشنهاد کمیته مرکزی را پذیرفت. اگر چنین درکی در حزب غالب نباشد این خطر هست که کسانی با تشکیل فراکسیون مخفی بدون دامن زدن به بحثهای روشنگرانه و کار توضیحی و توزیعی تنها با تکیه بر قدرت عددی پنهان به صورت دسیسه چپانه بیک کودتای درون حزبی با استفاده از ساز و کارهای کنگره دست زده و با تکیه بر عالیترین مرجع تصمیمگیرنده تصمیمات نادرستی را به حزب تحمیل کنند. حزب ما از هم اکنون باید راه بحث دموکراتیک و ارتقاء سطح آگاهی رفقا را با مدیریت کمونیستی باز بگذارد تا در درجه نخست نقطه نظرات بر همه اعضای حزبی روشن باشد. این روش کار مانع بروز بروکراتیسم در حزب در آینده خواهد شد.

قبل از بحث در زمینه مذکور کنگره به کار رسمی خویش پایان داد و باتفاق آراء اعضای کمیته مرکزی و علی البدل را انتخاب کرد. همانطور که اشاره شد کنگره در عرصه مورد مشاجره زمان لازم را در اختیار پیشنهاد دهنده قرار داد.

بحث در سطحی بالا و بسیار رفیقانه با احساس مسئولیت کمونیستی در زمینهای تاریخی، تنوریک و سیاسی از جانب رفقا انجام پذیرفت و همه کم و بیش با زوایای دیدگاههای گوناگون آشنا شدند. سپس سخنگویان صورتی از اسامی مدارکی که در این مورد می شود مطالعه کرد و به آنها رجوع نمود را در کنگره مطرح کردند که در اختیار همه رفقا قرار می گیرد. قرار شد اسناد جدید و یا مسایل مهم از طریق مرکزیت حزبی در اختیار رفقای حزبی قرار گیرد. تاریخ سمینار بطور تقریبی نیز توسط رفقا تنظیم شد. تمام تصمیمات آگاهانه و باتفاق آراء صورت گرفت.

کنگره سپس بعد از سه روز در مجموع به کار خود با خواندن سرود انترناسیونال و سرود استالینگراد پایان داد و عهد خود را با طبقه کارگر ایران برای استقرار نظام سوسیالیستی در ایران تجدید کرد.

گزارش سیاسی به کنگره ...

جهان هستند. در عین حال باید از تضاد میان ممالک امپریالیستی و انحصارات یعنی کنسرنها، کارتلها و... میان خود، برای بلعیدن و نه بلعیدن شدن نام برد. این تضادها در مجموع چهره سیاسی جهان کنونی را ترسیم و رویدادهای جهان را قابل فهم می سازند. در دهه اخیر تغییری در ماهیت تضادهای جهانی داده نشده است. به نظر حزب ما تضاد عمده در جهان تضاد میان خلقهای تحت ستم و امپریالیسم و صهیونیسم در جهان است. امپریالیستها پس از فروپاشی شوروی و خلاص شدن از چنگ رقابت رقیب برای تقسیم مناطق نفوذ وی به جان هم افتادند. این تضادها در گسترش پیمان نظامی ناتو به سمت شرق، تسلط بر آذربایجان، گرجستان، آسیای میانه، تجزیه یوگسلاوی، تجاوز به عراق و افغانستان امکان بروز پیدا کرد. اساس اختلاف امپریالیستها در آینده بر سر تسلط بر بازارها ... ادامه در صفحه ۴

تنها حکومت متکی بر مردم پایدار است

گزارش سیاسی به کنگره ...

از طریق صدور سرمایه، تسلط بر مواد اولیه در جهان است که روز بروز نایاب تر و دسترسی به آن مشکلتر می شود. قاره آفریقا که سرشار از منابع اولیه است در مد نظر امپریالیستها قرار دارد. در اثر دسیسه امپریالیستها و وجود تضادهای ما بین آنها ما شاهد، جنگهای داخلی، شورشها، فروپاشی کشورها، محاصره آنها و... در آفریقا هستیم. مراکش و صحرا، نیجریه، سودان و دارفو، سومالی، کنگو، اتیوپی، زیمبابوه و... از قربانیان این رقابتها هستند. چین در عین اینکه در کشورش صاحب ده ها فلز نایاب است که اروپا و آمریکا به آنها بویژه در صنایع نظامی و کمپیوتر و دستگاههای مخابراتی و... نیاز دارند، به عنوان یک نیروی امپریالیستی تازه نفس به میدان آمده و با آرامش و بی سر و صدا جای پای مهمی در آفریقا و ممالک آسیای مرکزی و در ایران باز کرده است. سیاست راهبردی چین در آفریقا انعقاد قراردادهای استخراج و تصاحب مواد اولیه در مقابل ساختن صنایع زیربنایی برای ممالک آفریقائی است. جاده سازی، ایجاد بندر و یا فرودگاهها در عین حال در خدمت صادر کردن مواد اولیه این کشورها به چین نیز محسوب می شود. ممالک آفریقائی از این سیاست چین استقبال می کنند. نفوذ قدرتمند چین در آفریقا موجب هراس اروپا و آمریکاست و آنها تلاش می کنند تا در سطح جهانی با یک کارزار سازمانیافته ضد چینی افکار عمومی را برای تجاوز به چین به بهانه خطر رشد سرسام آور اقتصاد چین و صدور کالاهای ارزان قیمت و ایجاد بیکاری در ممالک پیشرفته صنعتی آماده کنند. از جمله فعالیت آنها یکی تدوین و تصویب قوانین جدید برای ارتقاء کیفیت کالاهای قابل مصرف در ممالک پیشرفته است تا از ورود کالاهای چینی علیرغم امضای پیمان سازمان تجارت جهانی به بهانه عدم مرغوبیت و مغایرت با مقررات داخلی ممانعت کنند و دیگر فشار سیاسی به چین از طریق استفاده از ابزار حقوق بشر و تلاش برای تجزیه چین و تبلیغات منفی بر ضد کالاهای و روش تولید غیر انسانی چینیهی و دلسوزی برای استثمار شدید طبقه کارگر در چین است. آنها که نمی توانند به صراحت بر ضد موافقتنامه های دو جانبه با چینیهی برای ورود کالا به اروپا و آمریکا به مخالفت برخیزند با ایجاد یک موج تبلیغاتی و حملات اینترنتی بیهوده می کوشند تا یک انقلاب مخملی در چین براه اندازند. چینیهی نیز از مالکیت فلزات نادر برای اعمال فشار به

امپریالیستهای رقیب بسیار سود می جویند و جنگی بیرحمانه و پنهان در عرصه جهانی در گرفته است. در مقابل توسعه طلبی چینیهی و دست اندازی آنها در آفریقا، آمریکائیهی که مقاصد خویش را تا کنون از طریق سنتی نظامی و با داشتن ۷۰۰ پایگاه نظامی در جهان پیش می بردند و از آنها برای تجاوز در هنگام به خطر افتادن منافعشان استفاده می کردند از سال ۲۰۰۷ به ایجاد یک سازمان نظامی با عنوان "فرماندهی نظامی برای آفریقا" دست زده اند که مرکزش در اشتوتگارت آلمان است. این سازمان خود را با نقاب "سازمان امدادی" معرفی می کند که هدفش "پیشگیری از جنگ" است و با بسیاری از ممالک آفریقائی که مواد اولیه صادر می کنند قراردادهای نظامی منعقد کرده است. این سازمان در برنامه خود توضیح می دهد که "اهمیت آفریقا از جنبه نظامی، راهبردی و اقتصادی رشد می کند". چینی ها بر توسعه اقتصادی و از این طریق نفوذ سیاسی تکیه می کنند و آمریکائیهی بر نفوذ نظامی و سیاسی و سپس چنگ اندازی بر منبع اولیه این قاره.

فشار امپریالیستهای غرب و ژاپن به روسیه و چین آنها را در شرق بیکیدیگر نزدیک کرده و در مقابل نفوذ آمریکا به مقاومت واداشته است. چینیهی در عین حال به علت رشد سریع صنایعشان به انرژی فراوان نیاز دارند و باین جهت در عرصه جهانی در پی کسب این منابع تامین انرژی هستند. آمریکا و اروپا می خواهند با کنترل مواد اولیه مهار چین را به کف بگیرند. تحریکات ژاپنیهی و کره جنوبیهی و تایوان علیه چین، علم کردن دالائی لاما، محاصره نظامی چین همه و همه در کادر سیاست توسعه طلبانه و رقابت آمیز با چین است. در سالهای آینده مبارزه امپریالیستها با یکدیگر تشدید می شود و این امر بویژه میان دو اردوگاه امپریالیستی، رهبری چین و آمریکا خواهد بود. آمریکا با چاپ دلار بی پشتوانه به غارت جهان مشغول است و ذخایر ارزی دولت چین را که دلار است بی ارزش کرده و از بدهکاریهی خویش به چین از طریق ساز و کار دلار می کاهد. مبارزه در عرصه های ارزی و پولی بیکی از عرصه های این پیکار بدل شده است که اروپائیهی نیز از دست آن شاکی هستند.

دولت روسیه در چند سال گذشته توانست تا حدودی از ضربه دوران بلتسین کمر راست کند و به میدان رقابت و تبنانی با امپریالیست آمریکا وارد شود. روسها در عین حال نمی خواهند همکاری خویش را با اروپا از دست بدهند. تلاش آنها در این جهت است که منابع

تامین انرژی اروپا را در دست بگیرند و بویژه با آلمان فدرال که لکوموتیو اقتصادی اروپاست کنار آیند. جلب و یا بی طرف کردن اروپا در خدمت تامین منافع روسیه و باز بودن دستش تا دوباره بر بازارهای نفوذ از دست رفته خود در اوکراین، روسیه سفید، بالتیک، قفقاز و آسیای میانه دست پیدا کند. آمریکائیهی و اروپائیهی ها به روسیه به عنوان منبع بزرگ تامین مواد اولیه که روز بروز نایاب تر می شود نگاه می کنند، یک روسیه ناتوان و فاسد و تجزیه شده برای کنترل اشتباهی سیری ناپذیر اروپا به مراتب راحت تر است. روسیه نیز در پی یارگیری است و از طرفی با چین کنار می آید و از جانب دیگر سعی می کنند اقمار سابق خویش نظیر لهستان و جمهوری چک را خنثی کند. در بلغارستان، رومانی و مجارستان جای پا باز کند، روابطش را با ترکیه سر و سامان دهد و در بازیهای سیاسی و بگیر و بستنها با سایر امپریالیستها از خود قدرت و شخصیت نشان دهد. کارت ایران در این رقابتها برای روسیه بسیار مفید فایده بود.

بحران مالی سرمایه داری که بدنبال اعمال سیاست لیبرالیسم نوین و جهانی سازی سرمایه بوجود آمد به آن چنان قدرت و ثروتی در دست مشتئی اقلیت ناچیز انجامید که حتی بازار تولیدات صنعتی قدرت جذب سرمایه های آنها را نداشت و نمی شد از طریق سازوکار بازار به سودهای افسانه ای دست یافت. این پدیده، بر بازار بورس مالی که از گردش اینگونه سرمایه های انباشت شده پدید آمده بود چون بختیکی سایه انداخت و زندگی مردم را با قمار مالی به تباهی کشانید و به تشدید تضادهای طبقاتی و ملی در جهان بدل شد. دولتهای چندی نظیر یونان، دول بالتیک، ایرلند، ایسلند و... ورشکسته شدند. دولت آلمان با پرداخت میلیاردها یورو به جیب بانکها از پول مالیات مردم تحت نام حمایت از اعمالی که برای حفظ سامانه سرمایه داری و ممانعت از فروپاشی آن نقش قطعی دارند همه مردم آلمان را به گروگان بانکها بدل کرد و خسارت وارده به بانکها را جبران نمود. این بحران می تواند در شرایط فقدان حضور یک جنبش دموکراتیک و یا کمونیستی بزودی میدان را برای عوامفریبی سرمایه و سازماندهی نظریات نژادپرستانه و فاشیستی و جنگ طلبانه باز کند. ما با تقویت روحیه فاشیستی و ضد خارجی، ضد مهاجر و ضد اسلامی در همه ممالک سرمایه داری امپریالیستی روبرو هستیم.

منظره سیاسی تضادهای جهانی نشان می دهد که در یک طرف... ادامه در صفحه ۵

زندان و شکنجه و اعدام از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی بر می خیزد

گزارش سیاسی به کنگره ...

اروپا، آمریکا، ژاپن و متحدینش ایستاده اند و در طرف دیگر چین و روسیه و متحدانشان هستند. هر دو این جبهه شکننده اند. تضاد اروپا با آمریکا روز به روز در اثر انتقال بار بحران و جنگهای توسعه طلبانه بدوش اروپا و کاهش ارزش دلار به افزایش ارزش یورو انجامیده و بویژه آلمان را که مقام دوم در صادرات جهانی را بعهده دارد تحت فشار قرار می دهد. در اثر بحران سرمایه مالی و ورشکستگی بانکهای جهانی که از آمریکا آغاز شد ضربه وحشتناکی به اقتصاد سرمایه داری وارد آمد که هنوز نتوانسته از زیر بار آن کم راست کند. دولتهای امپریالیستی خسارت وارده به بانکها را به ایجاد هراس در مردم با این ادعا که نجات این موسسات مالی حیاتی است و از فروپاشی سامان سرمایه داری جلوگیری می گیرد موقتاً جبران کردند و آنها را نجات دادند. بار این بحران را بدوش زحمتکشان و خلقهای تحت ستم انداختند. دولت ایسلند، ممالک بالتیک، رومانی، مجارستان، یونان ورشکسته شدند، ایتالیا، اسپانیا و پرتغال به مرز ورشکستگی رسیدند و هنوز از زیر این بار کمر راست نکرده اند. آلمان در اروپا از زیر بار این بحران با تقبل خسارت فراوان و فشار به طبقه کارگر و به حراج گذاردن آینده آلمان قدرتمند بیرون آمد. از نفوذ ایتالیا، اسپانیا، فرانسه بشدت کاسته شد.

بحران سرمایه داری که اثبات نظریات مارکس و تئوری امپریالیسم لنین بود طبقه کارگر را به عنوان اعتراض به همدستی دولت با سرمایه داران به خیابانها کشید. میلیونها کارگر در یونان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا دست به اعتراض زدند و تضاد طبقاتی در جوامع سرمایه داری اروپا تشدید شد. از بحران کنونی، چین و آلمان توانستند با قدرت بیرون بیایند ولی هنوز غلبه بر بحران علیرغم دروغهایی که گفته می شود مقدور نشده است.

همین وضعیت بحرانی در ممالک امپریالیستی، رقابت برای کسب بازارهای فروش و تسلط به منابع مواد اولیه که رو به کاهش می روند موجب شده است تا امپریالیستها همان سیاست استعماری بی شرمانه گذشته را و این بار تحت نام سربازان صلح سازمان ملل ادامه دهند. امپریالیستها هم اکنون، مستقیم یا غیر مستقیم خاور میانه، آسیای میانه، قفقاز، بالکان، دماغه شاخ آفریقا را از نظر نظامی اشغال کرده اند. در عراق و افغانستان مشغول جنگند. متحدین آنها نیز

نظیر اسرائیل سرزمین فلسطین و لبنان و سوریه و اردن را از نظر نظامی اشغال کرده و به گسترش آبادی نشینهای فاشیستی یهودی ادامه می دهند. توسعه طلبی امپریالیستها و تلاش برای کسب بازارهای فروش و مناطق نفوذ ملت‌های جهان را بر ضد امپریالیستها به حرکت واداشته و هم اکنون در بسیاری از این ممالک ملتها برای آزادی و استقلال ملی خویش می رزمند. تضاد میان امپریالیستها و خلقهای تحت ستم به عامل عمده تحولات جهانی بدل شده و صحت این گفته لنین را بار دیگر اثبات می کند که خلقهای ستم‌دیده و پرولتاریای جهان متحد شوید. گره گاه تضادهای امپریالیستها کما فی السابق در خاور میانه به عنوان منبع اصلی تامین انرژی فسیلی جهان می باشد. خلیج فارس به مرکز این گرگانه تحولات بدل شده است.

وضعیت جهان کنونی به رشد نیروهای رهایی بخش یاری می رساند و این تضاد را تشدید می کند.

امپریالیستها در عراق و افغانستان در محاصره قرار گرفته اند. مانند زمان تجاوز به ویتنام که دامنه جنگ را به کامبوج نیز گسترش دادند امروز به خاک پاکستان حمله ور می شوند. ملت‌های جهان نمی توانند در مقابل این همه گردنکشی خاموش بنشینند. تجاوز و نقض حقوق ملتها به مبارزه رهایی بخش دامن می زند و باین جهت حزب ما باید به اهمیت مبارزه ملی مانند گذشته تکیه نموده و خواهان خروج بی قید و شرط و فوری امپریالیستها از عراق و افغانستان شود. امپریالیستها باید به این ملل غرامت بپردازند.

ابزارهای اعمال نفوذ ...

لازم و مناسب برای سرمایه گذاری، همه و همه از طریق بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تعیین میشوند. امپریالیستها از این وسایل برای هدایت سیاست خود سود میجویند. روشن است عرصه های مناسب سرمایه گذاری آن عرصه هائی خواهد بود که نه برای کشور مفروض بلکه برای سرمایه داران مناسب است. امپریالیستها که سیاست جهانی شدن سرمایه را با زور اقتصادی و سیاسی تحت نام لیبرالیسم نوین به جلو میبرند از ابزار سازمان تجارت جهانی برای تشدید روند خصوصی سازی ها، برای زدودن مرزهای جغرافیائی میان کشورها و حذف نظارت گمرکی دولتهای ملی نیز سود میجویند.

دولتهای ممالک سرمایه داری که بار بحرانهای خویش را از طریق روند جهانی سازی سرمایه به ممالک "دنیای سوم" منتقل می کنند، در عمل خود به کارگزاران شرکتهای چند ملیتی و کنسرنها بدل شده اند. این دولتها در داخل که به عنوان "دول رفاه" شهرت داشتند بتدریج در خدمت لابی های سرمایه که جای آراء دموکراتیک مردم را در انتخابات گرفته اند قرار گرفته از حقوق دموکراتیک و صنفی زحمتکشان کاسته و آنها را به روزمزدان سرمایه امپریالیستی بدل می کند و همراه آن دول ممالک کمتر توسعه یافته و به سخنی "دنیای سوم" را به گماشتگان بلاواسطه سرمایه های امپریالیستی بدل کرده که تنها نگرهبان تشدید استثمار حمتکشان و غارت ممالک خودی هستند. بتدریج دموکراسی بورژوائی میان تهی شده و با تشدید فقر و ثروت در سراسر جهان اقلیتی ناچیز با سرمایه های افسانه ای و اکثریتی بی کران از فقرا و پابرهنگان پدید می آیند. در هندوستان کشاورزان هندی در اثر این سیاست لیبرالیسم نوین سرمایه داری از شدت فقر هزار هزار خودکشی می کنند. جالب آن است که این واعظان غیر متعظ وقتی پای منافع خودشان به میدان می آید فوراً تمام توافقات خویش را به زیر پا می گذارند و به نبرد تجاری با یکدیگر پرداخته و سدهای مصنوعی در مورد ورود کالاها رقیب ایجاد می کنند. آنها با وضع مقررات خاص مانع ورود کالاها رقیب شده و با به درازا کشاندن عمدی بازرسیهای گمرکی در مرزها بقدری تاخیر ایجاد می کنند تا تاریخ مصرف کالاها از حد تعیین شده بگذرد. هم اکنون تضاد میان آمریکا و اروپا، برزیل و آرژانتین، هندوستان و چین و روسیه که همگی عضو سازمان تجارت جهانی هستند افزایش پیدا کرده و آنها متقابلاً با ابزارهای مصنوعی انسدادی، مفاد قراردادهای نقض می کنند. فقط ممالک کوچک که توانائی مقاومت در مقابل قدرت سیاسی و نظامی زورگویان جهانی را ندارند باید به مفاد قراردادهای که غارت کشورشان است وفادار بمانند.

دول امپریالیستی و بویژه امپریالیست آمریکا در این ارگانها از نفوذ تعیین کننده ای بر خوردار است و استراتژی مالی خویش را بر این نهادها تحمیل میکند. آنها از این ابزارهای اقتصادی برای فشار سیاسی به ممالک، تحریم و محاصره اقتصادی آنها استفاده میکنند. این روش استعماری نوین است که امکان چنگ اندازی... ادامه در صفحه ۶

زنده باد همبستگی ملی خلقهای ایران، برقرار باد جمهوریهای شوروی سوسیالیستی در ایران

ابزارهای اعمال نفوذ ...

دول استعماری بر گمرک و واردات بی حساب و صادرات غیر قابل کنترل ممالک مفروض و به ظاهر مستقل را فراهم میآورد. استعمار در پس پرده الزامات اقتصادی پنهان میشود. سابقا دول دست نشانده اختیار گمرکات خویش را در قبال دریافت وامهای خارجی در اختیار ممالک امپریالیستی قرار میدادند که به فقر و اسارت ملتها منجر میشد. همان سیاست در قالب سازمان تجارت جهانی و این بار در خدمت سرمایه های فراملیتی به اجراء در میآیند. افزایش بدهکاریهای کشورهای فقیر در جهان به صدها میلیارد دلار می رسد. آنها وامهای دریافتی از منابع جهانی را به عنوان بهره وامها مجدداً به این مراکز منتقل می کنند.

سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول از همه دولتها می خواهند تا یارانه هائی را که بطور غیر مستقیم به مردم می دهند تا بهای کالاها را نازل نگهدارند برای سلامت رقابت و پیشرفت حذف نمایند. ما می توانیم تاثیر این پدیده را در ایران ملاحظه کنیم که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با فشار سازمان تجارت جهانی در پی تحقق شرایط آنها بخاطر عضویت در این مجمع است. ولی دول امپریالیستی اروپا و آمریکا با پرداخت میلیاردها دلار بصورت مستقیم به کشاورزان این کشور که قدرت رقابت با محصولات ممالک کمتر توسعه یافته را که سطح دستمزد در آنها نازل است ندارند قدرت رقابت آنها را بطور مصنوعی افزایش داده و به دامنه فقر در ممالک "دنیای سوم" دامن می زنند.

لیبرالیسم نوین اقتصادی که در زیر پوشش موافقتنامه چند جانبه سرمایه گذاری (ام. آ. ای.) میان شرکتهای چند ملیتی به اجراء در آمده بود در جهان فاجعه ببار آورد. هم اکنون میلیاردها دلار سرمایه های امپریالیستی در ممالک آفریقائی بکار افتاده است تا مواد گیاهی برای تولید بنزین در اروپا تولید کند. صدها هزار هکتار زمینهای که برای تولید مواد غذایی و رفع گرسنگی نیاز هست به زیر کشت مواد گیاهی مورد استفاده در صنعت ممالک پیشرفت صنعتی در اروپا بکار گرفته شده است. ممالک امپریالیستی می خواهند از این طریق هم درجه میزان آلودگی محیط زیست را که در مجامع جهانی بر سر سهمیه خود بر سر آن توافق کرده اند با مصرف بنزین گیاهی کاهش دهند و دستشان در رقابت با سایر رقبای اروپائی خویش باز شود و هم مواد غذایی برای مردم اروپا را با کمترین بهای تمام شده در آفریقا تولید کنند.

از این گذشته سرمایه داری با ایجاد شرایط لازم برای خرید و فروش محصولات کشاورزی و غذایی در بازار بورس به احتکار مواد اولیه زندگی مردم رسمیت داده و به سخنی از فقر میلیارد ها نفر سود های سرشار می برد. این وضعیت روز به روز به شکاف میان فقر و ثروت افزوده است. حتی مراجع رسمی سازمان ملل اعتراف می کنند که قادر نیستند بر ضد گرسنگی در جهان اقدام کنند. بر اساس گزارش آنها یک میلیارد نفر از ۶/۹ میلیارد نفر جمعیت جهان در گرسنگی بسر می برند. و این در حالی است که انبارهای آذوقه پر است ولی مردم قدرت خرید آنها ندارند. حتی سازمان جهانی تغذیه اعتراف می کند ما با کمبود آذوقه روبرو نیستیم مشکل اصلی شیوه توزیع نابرابر آذوقه است. باین ترتیب از هم اکنون اهداف سازمان ملل که در سال ۲۰۱۵ قرار بود گرسنگی را به نصف برساند با شکست روبرو شده است.

اخیرا با فعال شدن شرکتهای سنجش اعتبارات دولتی یک عامل دیگر برای نفوذ سرمایه داران آمریکائی پیدا شده است. این شرکتهای به تدوین جدولهای مبادرت کرده اند که ظاهراً توان اقتصادی ممالک و شرکتهای مورد سنجش قرار می دهد. این شرکتهای با کلاهبرداری و اخذ رشوه و یا با اعمال فشارهای اقتصادی می توانند با یک اعلام موضع رسمی در مورد وضعیت اقتصادی کشوری آنها تا آستانه پرتگاه نابودی برسانند. امپریالیست آمریکا از این وسیله برای اعمال فشار اقتصادی و سیاسی نسبت به اروپائیهای سرمایه های آنها سود می جوید. همین امر باعث شده که اروپائی ها نیز در پی ایجاد شرکتهای نظیر در اروپا بر آیند. و این تضاد امپریالیستها را از جمله در امور مالی افزایش داده است.

روند جهانی شدن سرمایه در حال افزایش است. مرزهای جغرافیائی درهم می ریزد و امپریالیستها سرزمینهای بی دفاعی را برای جولان خود در پیش رو می یابند. رقابت میان آنها برای دست یابی به مواد اولیه، بازارهای فروش و دستمزدهای نازل افزایش می یابد. شرط نخست برای حفظ این اوضاع برای لیبرالیسم نوین بدور انداختن پرچم آزادیخواهی و دموکراتیسم است. در تمام این ممالک اختناق، تحمق عمومی، تحریک بر ضد اقلیتها برای سرپوش گذاردن بر تضادهای اساسی جامعه، سرکوب جنبشهای مردمی و سندیکائی افزایش می یابد. ارتشهای عمومی ملی جای خود را با سربازان حرفه ای مزدور که پیوندی با مردم

ندارند، تحت عنوان صرفه جویی نظامی و یا "حمایت از صلح جهانی" تعویض می کنند زیرا سرکوب مردم توسط اجیران به مراتب ساده تر است از سرکوب آنها توسط ارتشهای رسمی که بهر صورت از درون مردم بیرون آمده و حرفه ای نیستند. پرولتاریا باید پرچم حمایت از آزادیخواهی و دموکراسی را برافرازد و در راس مبارزه مردم و زحمتکشان قرار گیرد.

محیط زیست و ...

سرمایه داری زمینی سوخته بجای مانده است که در تکامل خود امکان زیست بشر را به خطر می اندازد. سرمایه داری امپریالیستی در ممالک خود قادر نیستند به زودن سمومی که تولید کرده اند بپردازند. خاک آنها به علت کوچکی می تواند به انبار سموم و آب بارانهای اسیدی و رودخانه ها و دریاهای آلوده و مزارع مملو از کودهای خطرناک شیمیائی بدل شود. آنها این سموم را به صور قانونی و غیر قانونی به ممالک تحت سلطه صادر می کنند. نیجریه، آلبانی، کوزوو و ... نمونه های بارز آن هستند. صدمه ای که به جنگلها، آبهای زیر زمینی، افزایش گازهای سمی در فضا که به افزایش بیماریهای ریوی و پوستی منجر می شود، به منابع تغذیه دریائی وارد می شود زنگ خطر را به صدا در آورده است. در مقابل این سیاست نابودی محیط زیست به مصداق بعد از مرگ من چه دریا چه سراب مردم این ممالک به مقاومت برخاستند و دولتها را وادار کردند با تنظیم قوانین در حفظ محیط زیست بکوشند. بورژوازی امپریالیستی از این اعتراض عمومی برحق ابزاری ساخت تا نخست به صنایع و فن آوری مدرنی دست یابد که آنها در درجه نخست برای کسب رهبری در عرصه فن آوری بکار گیرد و با تبلیغات فراوان سیاست عامه پسند حفظ محیط زیست را جا بیاندازد. امپریالیست آلمان در این عرصه پیشتاز بود و رهبری فن آوری مدرن در این زمینه را به کف آورد و با زور تبلیغات و در کادر تضادهای امپریالیستی می خواهد آنها را به سایر امپریالیستها نیز تحمیل کند. زیرا در نتیجه توجه به محیط زیست بهای کالاها افزایش یافته و از قدرت رقابت امپریالیست آلمان می کاهد. امپریالیستهای اروپائی با فشار آلمان و فشار افکار عمومی در داخل کشورشان و محدودیتهای جغرافیائی که داشتند مجبور... ادامه در صفحه ۷

صهیونیسم یعنی نژادپرستی، همدست امپریالیسم

محیط زیست و ...

شدند به این سیاست تن در دهند و در پی حفظ محیط زیست که بی توجهی به آن عواقب وخیمی در آینده دارد تلاش کنند. سخن از انرژی جایگزین به میان آمد که باید آنرا تکمیل کرد تا در فردای جهان بدون نفت و گاز بتوان از این انرژی برای بقاء بشریت استفاده نمود. این انرژی جایگزین در بهترین حالت تنها ۲۰ درصد نیاز انرژی این ممالک را با سطح تولید کنونی تامین می کند. برای تقویت این سیاست که در حقیقت تقویت بخش معینی از بورژوازی صنعتی در این عرصه است آلمانها به کسانی که به صرفه جویی انرژی با توسل به انرژی جایگزین دست می زنند مزایای مالیاتی و در حقیقت نوعی یارانه دولتی از مجموعه ثروت ملی در نظر گرفتند.

تبلیغات امپریالیستی آلمان که می شود روزی انرژی بادی و خورشیدی و... را جایگزین انرژی فسیلی و هسته ای با این سطح تولید کرد با سیاست فروش کالاهای صنایع محیط زیستی آلمان صورت می پذیرد. انرژی جایگزین در واقع انرژی مکمل است و تنها می تواند در کنار انرژی هسته ای و فسیلی بقاء یابد و به طول عمر منابع انرژی بفرزاید. تولید ابزار و وسایل و فن آوری انرژی جایگزین خود به انرژی متمرکز سنتی نیاز دارد.

امپریالیست آمریکا که سر زمین وسیعی را در اختیار دارد به بهانه اینکه هنوز پژوهشهای علمی نتوانسته ثابت کند که افزایش گرمای کره زمین ناشی از گازهای گلخانه ایست حاضر نیست به فشار اروپائی ها تن در دهد و این امر مانند استخوان لای زخم در تمام همایشهای محیط زیست در جهان خودنمایی می کند. از این گذشته نباید فراموش کرد که امپریالیستها محیط زیست را برای سایر ممالک جهان نیز آلوده می سازند و بجای آنکه به آنها حداقل خسارتی بپردازند از آنها طلب می کنند که از آلودگی محیط زیست جلوگیری کنند. در حقیقت امپریالیستها می کوشند ابزار دفاع از محیط زیست را در پشت چهره انسانی وسیله ای کنند تا از تحول و تکامل صنایع در این کشورها جلوگیری کرده و از تکامل آنها جلوگیری کنند. این کشورهای زیر سلطه و به اصطلاح غیر متعهد باید تنها انبار سموم ممالک امپریالیستی بوده و کالاهای خویش را از آن کشورها وارد کنند. دولت چین و روسیه به زیر بار این فشار اروپائی ها نرفته اند. چینها می گویند که مسئولیت بیش از یک قرن آلودگی محیط زیست به عهده مالک

پیشرفته است و حال که ما در پی تکامل و گسترش صنایع خود هستیم ما را به آلودن محیط زیست متهم می کنند. طبیعتا اگر ممالک امپریالیستی کوچکترین صداقتی در حفظ محیط زیست و جان انسانها داشتند باید حاضر می شدند که فناوری و تجارب اکتسابی خویش را به بهای عادلانه در اختیار سایر ملل نیز قرار دهند تا آنها مجبور نشوند راه این ممالک را از نو ادامه دهند و محیط زیست را بیشتر بالابند.

سیاست حفظ محیط زیست برای ممالک پیشرفته که به بهای نابود کردن محیط زیست به گرده دیگران بار خود را به مقصد رسانده اند این است که با علم کردن این سیاست از تکامل و تحول صنعتی سایر ممالک جلوگیری کنند. هدف آنها در واقع کسب سود حداکثر به بهای عقب نگهداشتن سایر ممالک است و گرنه چگونه می توان توضیح داد که به پاس قواعد و مقررات سازمان تجارت جهانی سرمایه های امپریالیستی به ممالکی هجوم می برند که از جمله قوانین برسمیت شناخته شده محیط زیست در آنها کاربردی نداشته و تولید کالای آنها ارزاتر تمام می شود. به سخن دیگر محیط زیست را می شود در بجز در ممالک متروپل در سایر واحد جغرافیائی-سیاسی به زیر پا گذاشت. آیا این بهترین نمونه برای بی اعتقادی به مضمون واقعی محیط زیست که باید به رهائی انسانها و سلامتی آنها خدمت کند نیست؟

در ممالک متروپل با این سیاست عرصه های جدیدی از تولید وسایل و ابزار و محصولات بدست آمده که برای حفظ محیط زیست لازم است. این ممالک این محصولات را به بهای گزاف صادر کرده و یا در بازار داخلی به فروش می رسانند و این در حالی است که هماهنگ با آن محصولات ارزان قیمتی از خارج از آن ممالکی وارد می کند که برای تولید آنها هیچیک از موازین محیط زیستی رعایت نشده است.

از این گذشته امپریالیستها ابزار جدید حقوقی برای به زیر سلطه کشیدن ممالک ضعیفتر اختراع کرده اند و آن حق آلودگی محیط است. به موجب این حق هر کشوری مالک سهمیه معینی برای آلودگی هوا می شود و چنانچه از این سهمیه تخطی کرد باید جریمه بپردازد. وقتی پای حق به میان آمد بی حقوق نیز عرض اندام می کند. این حق را از آن جهت اختراع کرده اند تا بتوانند فرورا آنرا زیر پا بگذارند. ممالک امپریالیستی با فن آوری مدرن که تا کنون بر اساس تخریب محیط زیست بدست آورده اند قادر اند از تاثیر مخرب بسیاری مواد آلوده زا جلوگیری

کنند و در نتیجه به افزایش تولید پرداخته بدون اینکه از حد تعیین شده حق آلودگی تجاوز کرده باشند. این امر برای ممالک توسعه نیافته و یا عقب مانده تر ممکن نیست و لذا از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نمی باشد و باید همواره در پس کاروان تمدن دوان دوان بودند و هرگز قادر نخواهند بود این عقب ماندگی را جبران کنند. ایجاد حق آلودگی و تعیین سهمیه برای آن، ساز و کاری برای کنترل تولید سایر ممالک عقب مانده تر است. کنترل صنایع ممالک وابسته بدست ممالک متروپل می افتد.

برسمیت شناختن حد نصابی به عنوان حق آلودگی محیط زیست، در عمل به این معناست که هوا نیز به صورت کالا در می آید و فروشی می شود. دیگر نمی شود هوای مفت و مجانی تنفس کرد. روزی که انسانها بخاطر سیاستهای انسان براندازانه سرمایه داری مجبور شوند در خیابانها با ماسک تنفسی حرکت کرده و در آینده با خود کیسولهای اکسیژن حمل کنند چندان دیر نیست. سرمایه داری کاری را که بعد از خصوصی سازی با آب آشامیدنی مردم در جهان کرد با استفاده از حق خصوصی کردن هوا با هوای مفت و مجانی می کند. هر جا سخن از حق می رود میزانی پدید می آید تا ناحق را بذهن متبادر سازد.

حزب ما بر آنست که برای تامین انرژی برای نسلهای آتی ایران لازم است مخلوطی از انرژی جایگزین، هسته ای و فسیلی متناسب با سطح پیشرفت فنون و علوم در کنار هم مورد استفاده قرار گیرد و در تمام عرصه های فوق سرمایه گذاری شود تا ایران برای سالهای آینده از جهت تامین انرژی بی نیاز باشد. از هم اکنون باید برای تامین انرژی در بیست تا سی سال آینده اقدام کرد. انرژی فسیلی فانی است و روزی باید جای خویش را به استفاده از اشکال دیگری انرژی بدهد.

راه نجات محیط زیست، تنها راه برچیدن نظام سرمایه داری و جایگزینی آن با تولید برنامه ریزی شده حکومت جهانی سوسیالیستی است. در روی کره زمین می توان قوانین اقتصادی و سیاسی و حقوقی و... وضع کرد ولی برای سوانح طبیعی، انتقال آب و خاک و وضعیت جوی که در ید اختیار انسانها نیست نمی توان بر مبنای حقوق ملل مرزهای جغرافیائی ایجاد کرد. حفظ محیط زیست فرامرزی است و در دولت واحد جهانی که بدنبال سود حداکثر نیست مقدور است. تنها دولتی می تواند محیط زیست را حفظ کند که سلامتی... ادامه در صفحه ۸

مبارزه دموکراتیک جزء ناگسستی مبارزه ضد امپریالیستی

محیط زیست و ...

انسان برایش در مرکز توجه باشد و نه کسب سود حداکثر، تنها دولتی می تواند محیط زیست را حفظ کند که قانون اساسی تولیدش رفع نیازمندیهای مادی و معنوی انسانها باشد و انسان را در مرکز توجه خود قرار دهد و نه اینکه قانون اساسیش را کسب سود حداکثر بداند و اقتصادش را چنین لوکوموتیوی به حرکت در آورد. ولی این قانون اساسی تولید که انسان در مرکز توجه اش است قانون اساسی اقتصاد سوسیالیستی است.

باید مبارزه برای حفظ محیط زیست را با سوسیالیسم پیوند زد و به این مبارزه دورنمای تحقق داد و آنرا از جنبه رفرمیستی و بی و بو خاصیتی در آورد.

مبارزه با نهضت‌های ...

نظر مبارزه ایدئولوژیک دنیای با دین را علیه دنیای بی دین بسیج کردند. جنبش مبارزه با بی خدایان را در همه جا راه انداختند. مسلمانان درون شوروی، در قفقاز و آسیای میانه و ممالک دور شوروی بر ضد کمونیستها تحریک شدند. امپریالیستها در تمام اروپا دیکتاتورها را برای مبارزه علیه کمونیسم بر سر کار آورده و جنبش ضد یهودی-بشویکی ایجاد کردند و به شوروی حمله نمودند و در این عرصه مسلمانان نازی و مرتجع یار و یاور آنها بودند. نازیها ارتش مسلمانان داشتند تا بر قفقاز و آسیای میانه حاکم شوند. وقتی نازیها در استالینگراد شکست خوردند و رنگ جهان سرخ شد امپریالیستها تمام این تجربیات نازیها را به کار گرفتند تمام مسلمانان ضد کمونیست را به خدمت خود در آورده و جنبشی عظیم ضد کمونیستی از اندونزی تا مراکش و پاکستان نوظهور براه انداختند. کمربند سبز ضد کمونیستی از بعد از پایان جنگ جهانی دوم بدور شوروی سوسیالیستی لنینی-استالینی کشیده شد. کشتار کمونیستها در ایران، عراق، اندونزی، سودان و... در متن چنین سیاستی انجام گرفت. البته کمونیستها می کوشیدند از مبارزه ضد مذهبی پرهیز کنند، زیرا مبارزه با مذهب که ریشه اش در نادانی انسانهاست امری طولانی است و باید آنرا در رابطه با مبارزه طبقاتی برای ارتقاء آگاهی مردم بکار گرفت. برای کمونیستها مبارزه

سیاسی مهم بود و نه مبارزه فلسفی. در این عرصه کمونیستها موفقیت‌های فراوانی داشتند و از بسیاری از جنبشهای آزادیبخش که رنگ مسلمانی داشت از نظر ارزش سیاسی آن و جنبه استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی آن به حمایت پرداخته و از مبارزات آزادیبخش مردم الجزایر، مصر، لیبی، مراکش، عراق، فلسطین و اندونزی به حمایت برخاستند و تحریکات امپریالیستها را بر ضد کمونیست‌های بی دین خنثی کرده و مبارزه را به عرصه سیاسی به جای مذهبی کشاندند. آنها از این طریق کمر استعمار را شکاندند و ضربات مهلکی به امپریالیستها وارد کردند.

پس از تغییر ماهیت سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی و تسلط رویونیستها بر حزب، روسیه به کشوری تجاوزگر و سلطه جو تبدیل شد به چکسلاواکی تجاوز کرد و افغانستان را نیز به اشغال خود در آورد. اشغال افغانستان منجر به آن شد که امپریالیستها از همه امکانات مذهبی-اسلامی که در اختیار داشتند برای بسیج مسلمانان علیه بی دینی روسها که هنوز هم عوامفربانه آنها را کمونیست می نامیدند سود جویند. یک حرکت و سازماندهی اسلامی ضد کمونیستی جهانی بنام جهادگران در کنار سازماندهی صدها ساله سنتی مذهبیون ایجاد شد.

فروپاشی امپراتوری روسیه با تهاجم تبلیغاتی "نظم نوین جهانی" امپریالیست آمریکا روبرو بود. حال باید دنیا بر اساس توازن نیروی جدید تقسیم می شد و تقسیم مجدد آن در دستور کار بود. در این فاصله با سرنگونی رژیم سلطنت در ایران یک حکومت اسلامی بر ضد منافع آمریکا در منطقه بر روی کار آمد که نقش مهمی بویژه در ممالک اسلامی بازی کرد. در اینجا دیگر به آن غول اسلام سبز محمدی نیازی نبود. این غول به مزاحمی برای تقسیم مجدد جهان بدل شده بود. باید این غول را مهار می کردند و از بین می بردند. ساموئل هانتینگتون اندیشمند یهودی تبار آمریکائی با آماده کردن زمینه فکری مبارزه با مسلمانان و خطر آنها و خطر چینها و روسها و هندیاها و... را آماده گردانید. این مبارزه ضد اسلامی با مقاومت مردم مسلمان جهان روبرو شد زیرا آنها می دیدند که در پس این تهاجم سلطه گرانه و جهانخواارانه که به بهانه مبارزه علیه "تروریسم" صورت می گیرد نقض حقوق ملل، نقض حقوق بشر، غارت منابع طبیعی و بویژه تلاش برای تصرف انحصاری منابع انرژی در جهان صورت می گیرد که در

مرکز آن نفت و گاز و اورانیوم است. آنها در همه جا به مقاومت در مقابل امپریالیستها دست زدند. هدف امپریالیستها در این کارزار سرکوب ملتها و به اسارت در آوردن آنهاست، هدف امپریالیستها از بین بردن خرافه مذهب نیست. بهمین جهت نیز به تقویت مسیحیت و یهودیت متوسل می شوند و حقوق مسلمانان را در جهان لگدمال می نمایند. حمله آمریکا به عراق با تحریکات مذهبی در آمریکا و اعزام هزاران مامور مذهبیون آمریکائی با هواپیماهای نظامی به عراق همراه بود. از این گذشته شکست سوسیالیسم در شوروی به پاس خیانت رویونیستها دورنمای مبارزه سیاسی را از مردم گرفت و آنها را به سرگیجه دچار نمود. در ممالک عربی شکست ناسیونالیسم عرب در جنگ شش روزه با اسرائیل خلایق ایجاد کرد که توسط بنیادگرایان اسلامی پر شد. زحمتکشان و پابرهنگان و ستمکشان یدی و فکری که امیدهای خویش را برباد رفته می دیدند به سلاح مذهب برای رهائی از قید اسارت و بازگشت به اصل پناه بردند و در زیر رنگ مذهبی که در این ممالک سابقه طولانی دارد بر ضد اجانب به مبارزه برخاستند. مبارزه مردم عراق بر ضد اشغال امپریالیستی و یا مبارزه مردم لبنان و فلسطین بر ضد اشغال صهیونیستی یک مبارزه ضد امپریالیستی و برای رهائی ملی است حتی اگر رنگ مذهبی داشته باشد، حتی اگر ایدئولوژی اسلامی بر آن حاکم باشد. هر جنگ و مبارزه ای امری سیاسی است و ماهیت این مبارزه سیاسی برای تعیین خصلت این مبارزه مهم است. باین جهت تئوری مبارزه دو قطب ارتجاع "اسلام سیاسی و نظامیگری آمریکا" یک تئوری ارتجاعی و صهیونیستی است که برای سرکوب مبارزه ملتها آفریده اند.

برخورد به نهضت‌های مذهبی در جهان و ایران باید از این منظر مورد ارزیابی قرار گیرد. حزب کار ایران (توفان) مبارزه روشنگرانه مذهبی را تنها در متن مبارزه سیاسی-طبقاتی می پذیرد و از مبارزات رهائی بخش ملتها بر ضد امپریالیستها صرفنظر از نژاد، مذهب، رنگ پوست، زبان، بزرگی و یا کوچکی آنها به دفاع بر می خیزد. شمشیر کشی علیه مذهب فقط به انحراف مبارزه کمک می کند و در خدمت امپریالیستها خواهد بود. از همین سلاح مذهبی بود که امپریالیست آمریکا از رژیم جمهوری اسلامی... ادامه در صفحه ۹

دست امپریالیستها از ایران کوتاه باد

مبارزه با نهضتهای ...

استفاده برد تا مبارزه مردم یوگسلاوی را برای حفظ تمامیت ارضی خویش سرکوب کنند. مذهب بطور کامل در اختیار ارتجاع و امپریالیست قرار گرفت.

برای امپریالیستها هر کس که در مقابل آنها به مقاومت دست زند تروریست محسوب می شود. واژه تروریست جای واژه کمونیست در گذشته را گرفته است. آنها ملت‌های خویش را با خطر تروریسم که می خواهد شیوه زندگی آنها را برهم زند تحریک کرده و میهراسانند. این تبلیغات به ویژه در آمریکا بسیار عمیق و گسترده است. تجربه عملی نشان می دهد که در تمام عملیات تروریستی که در آمریکا و اروپا صورت گرفته است تا قبل از حمله آمریکا به این ممالک و حتی تا زمان تهیه این گزارش نه یک عراقی و نه یک افغانی شرکت داشته است در حالی که کشور آنها را به عنوان مراکز تروریسم اشغال کرده اند و مردم عادی را می کشند بطوریکه این مردم امروز به مقابله با نیروهای اشغالگر برخاسته خواهان خروج بی قید و شرط آنها از کشورشان هستند. افغانستان که به پاس توافقات پاکستان، عربستان سعودی و آمریکا به مرکز آموزشهای جهادگران اسلامی بدل شده بود امروز مرکز جهادگران نیست آنها اگر اساسا مرکزی داشته باشند مرکز خویش را به پاکستان نقل مکان داده اند و دیگر کسی برای آموزش عملیات تروریستی از اقصی نقاط جهان به افغانستان نمی رود که در اردوگاههای القاعده که افغانی نیستند دوره ببینند. برعکس تمام هواداران القاعده از ممالک عربی نظیر عربستان سعودی، یمن، مراکش، الجزایر، مصر و... بر می خیزند و بتدریج به گروههای خود مختار و با شکل سازمانی "ول" که مستقلا مبارزه تروریستی با آمریکا می کنند بدل شده اند. اینک ما با یک جنگ نامتقارن روبرو هستیم که امکان پیروزی نظامی بر آن وجود ندارد. حتی کشتن اسامه بن لادن نیز به معنی پیروزی بر جهادگران اسلامی نیست. امپریالیست آمریکا با تروریسم دولتی و تجاوزکارانه وضعیتی را در جهان خلق کرده که دیگر قابل کنترل نیست. تروریسم کنونی تا آنجا که با کمک مالی عربستان سعودی در پاکستان، عراق و فلسطین و لبنان و سودان و نظایر آنها تأمین می شود و به تضعیف نفوذ ایران و یا شیعیان در منطقه می انجامد، در کادر منافع امپریالیستها نیز خواهد بود. آنها با این تروریسم موافقت. این تروریسم چند منظوره است و بهمین جهت نیز نمی توان تحت نام تروریسم با آن مبارزه کرد. زیرا تروریسم به

خوب و بد بدل می شود و تروریسم خوب در خدمت منافع امپریالیستها عمل می کند. بدی و یا خوبی تروریسم با درجه خدمت به منافع امپریالیستی محک زده می شود و تناقض گوئی امپریالیستها و صهیونیستها از همین جا ناشی می گردد. ترور رهبران حماس در دوی به زعم آنها تروریسم دولتی نیست زیرا منافع امپریالیستها را در نظر داشته است ولی عکس آن تروریسم محسوب می شود. راه غلبه بر تروریسم دهنه زدن به امپریالیسم و تروریسم امپریالیستی و صهیونیستی است. ملت‌های جهان راهی جز مقاومت در مقابل زورگوئی و غارت جهان و بهره کشی و... ندارند و در شرایط فقدان یک نیروی متمرکز انقلابی با دورنمای نابودی امپریالیسم و استقرار سوسیالیسم همواره در فراز و نشیب جریانهای انحرافی سردرگم خواهند بود. این مبارزه با تمام نیرو به جلو می رود علیرغم تبلیغات ایدئولوژیک امپریالیستها و یا نامی که از نظر تبلیغاتی بر آن می گذارند.

صهیونیسم و صلح در...

نمی شود صلح کرد. شرط هر صلحی پایان اشغال است وگرنه این ملتها و از جمله ملت فلسطین حق دارد اشغالگران را بتاراند. مبارزه مردم فلسطین که به نیابت همه مردم جهان بر ضد اشغالگری صورت می گیرد مورد حمایت یهودیان مترقی نیز قرار دارد. صلح در قاموس جنبش رهایی بخش فلسطین قراردادی بر شالوده فلسطینی آزاد و مستقل و کشوری قابل بقاء در تمام زمینه هاست. مردم تاراند شده فلسطینی باید بتوانند به سرزمین مادری خویش باز گردند. اسرائیل کشوری در منطقه است که امنیت سایر ممالک را به خطر انداخته و با دارا بودن بمب اتم و تهدید سایر کشورها و از جمله ایران باینکه آنها را هدف تجاوز قرار می دهد محیط متشنجی ایفاء کرده است. قدمت نقش خرابکارانه اسرائیل به قبل از انقلاب بهمن در ایران و روی کار آمدن جمهوری اسلامی برمی گردد. دولت صهیونیستی اسرائیل که قصد تجاوز به ایران را داشت در یک آزمایش مقدماتی جنگی در مرزهای لبنان، با آن چنان شکست فزاینده باری از مردم لبنان به رهبری حزب الله لبنان روبرو شد که آرزوی تجاوز به ایران را برای مدتها به فراموشی سپرد. دولت اسرائیل حتی به پیشنهاد عربستان سعودی مبنی بر اینکه به مرزهای قبل از ۱۹۶۷ برگردد و با پذیرش دو دولت اسرائیلی و فلسطینی امنیتش را تضمین نماید

و به بحران خاتمه دهد عملا پاسخ منفی داد زیرا اسرائیل در پی تسخیر منطقه است. بنظر حزب ما اسرائیل عامل تشنج در منطقه و سرپل امپریالیست آمریکا در خاورمیانه برای کنترل بر منابع بزرگ انرژی فسیلی و اخیرا برای ممانعت از دست یابی کشورها به انرژی هسته ای است. تا زمانیکه اسرائیل از صهیونیسم نژادپرستانه دست بردارد، سرزمینهای اشغالی را ترک نکند و از بازگشت مردم فلسطین به سرزمینشان جلو نگیرد و استقلال و موجودیت یک کشور فلسطینی را برسمیت نشناسد امکان استقرار صلح در منطقه نیست.

اسرائیل دشمن استقلال و تمامیت ارضی ایران است و به جنبشهای تجزیه طلبانه، سلطنت طلبانه و بخشی از "اپوزیسیون چپ ایران" که اسرائیل را کشور دموکراتیک می خواند و می خواهد در ایران "سوسیالیسم کیبوتسی" مستقر کند از هر نظر یاری می رساند تا بخشهایی از ایران جدا شوند. اسرائیل سگ پاسیان امپریالیست آمریکا در منطقه است. امپریالیستها به تمام جنایات صهیونیستها صحه می گذارند و بر روی اعمال ننگینش ماله می کشند و در مراجع جهانی علیرغم ادعاهای کاذبانه حمایت از حقوق بشر مانع از آن است که اسرائیل به عنوان ناقض حقوق بشر و جنایتکار جنگی محکوم شود. منافع ملی ایران در شکست این منبع تشنج و دسیسه در منطقه و تحقق آمال مردم فلسطین است.

حزب کار ایران(توفان) از مبارزه ملت فلسطین برای رهایی ملی صرفنظر از ایدئولوژی آنها حمایت می کند و این مبارزه رهایی بخش را حق مشروع آنها می داند. حزب کار ایران(توفان) نقش سازشکارانه جناحی از فلسطینیها را که در صدد قرارداد اسارت آور اسلو را با تغییرات به مراتب ارتجاعیتر بپذیرند افشاء کرده و آنها را محکوم می کند. این جناح به ساز صهیونیستها در منطقه می رقصد و شیشه عمرشان در دست صهیونیستهاست.

حقوق بشر و حقوق ملل

برای کمونیسم انسان در مرکز جهان قرار دارد. کمونیستها سالهاست برای حقوق انسان ها مبارزه کرده و می کنند. اصل رهایی بشر از اسارت یکی از اصول اعتقادی کمونیستهاست. آموزگاران کمونیسم نوشتند که باید به بهره کشی انسان از انسان خاتمه داد و جامعه ای را بنیاد نهاد و پابرجا نگهداشت که این اصل را شالوده زندگی اجتماعی خویش... ادامه در صفحه ۱۰

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند

صهیونیسم و صلح در...

قرار دهد. ولی کمونیستها انسانها را مجرد و صرفا فیزیکی نمی بینند. انسانها موجودات اجتماعی اند و در این مناسبات پرورش یافته اند. آنها هم ستمگر و متجاوز در میان خود دارند و هم ستمکش و قربانی تجاوز. دره فقر و ثروت آنها را از یکدیگر جدا می کند. آن جامعه انسانی که کمونیستها در پی آن هستند جامعه ایست که چنین دره ای در میان آن نباشد و سرانجام رهائی انسان فرا رسیده باشد. بنظر کمونیستها راه نیل به چنین جامعه ای مبارزه طبقاتی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریاست.

به همین جهت کمونیستها حقوق بشر را امری انتزاعی و مجرد نمی بینند. آنها این مقوله را در ارتباط با مبارزه طبقاتی قرار می دهند. آنچه به عنوان اعلامیه جهانی حقوق بشر به تائید مراجع جهانی رسیده است طبیعتا گامی به جلوس و پاسخی به بی حقوقی انسانها در مقابل نظامهای فئودالی، مذهب و سرمایه داری امپریالیستی است. این حقوق را بشریت در مبارزه دائمی خویش تا به این حد کسب و تثبیت کرده است. ولی این اعلامیه مفاهیم ایدئولوژی سرمایه داری را که مالکیت خصوصی را مقدس شمرده و اساس بهره کشی انسان از انسان را نفی نمی کند در خود جا داده است. در این منشور سخنی از حق انسانها برای کار دائمی در میان نیست زیرا باید دست سرمایه داران در اخراج کارگران باز باشد، باید حضور میلیونها بیکار را برای ایجاد دلهره و زهر چشم گیری از میلیونها انسانهای شاغل پذیرفت تا به بهانه رقابت سطح دستمزدها نازل باشد و... بهمین جهت نمایندگان شوروری سوسیالیستی لنینی-استالینی در مجمع عمومی سازمان ملل به این سند رای ممتنع دادند زیرا اساس آن یک سند صوری بورژوازی است که با جملات زیبا تزئین شده است بدون آنکه راه مادی تحقق واقعی حقوق انسانها در آن منظور شده باشد.

حزب کار ایران(توفان) حامی حقوق بشر است و راه نیل به آن را که استقرار جامعه کمونیستی است نشان می دهد. این صمیمیت کمونیستها در بیان حقایق است. در غیر این صورت نشخوار واژه های تزئینی برای سخنرانیهای غرا چاره درد نیست بلکه اگر از روی نادانی سیاسی نباشد با هدف فریب افکار عمومی صورت می گیرد. حزب ما اغلامیه کنونی حقوق بشر را ماهیتا یک اعلامیه بورژوائی با تمام مزایا و مضرات آن تحلیل کرده ولی وجود آنرا دستآورده

مبارزه ملتها می داند. این مبارزه خونین و مستمر صدها ساله مردم بوده است که منجر باین شده این گام بزرگ در جوامعی که خونخواران کوچکترین توجهی به انسان و انسانیت نمی کردند برداشته شود. برسمیت شناختن این حقوق و دفاع از آن دفاع از یکی از دستآوردهای تاریخی بشریت تا لحظه کنونی است. وظیفه کمونیستها نفی این دستآورد نیست تکامل این دستآورد بر اساس و بر شالوده آنچه هست می باشد. عقب نشینی از این دستآوردها عدم درک مبارزه دموکراتیک و خدمت به ارتجاع سیاه است. کمونیستها همواره باید مبارزه برای تحقق حقوق بشر را در رابطه با مبارزه طبقاتی مورد تحلیل قرار دهند و خواستههای مشخص خود از جمله نفی تقدس مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و حق کار برای همه و نفی بهره کشی انسان از انسان را طرح کرده و توضیح دهند.

حقوق ملل نیز حقی است که پس از استقرار سوسیالیسم در شوروی لنینی-استالینی و شکستن کمر نظام استعماری کهن و پایان عصر امپراتوری فرتوت انگلستان و فرانسه و... بعد از جنگ جهانی اول برسمیت شناخته شده است. ملتهای جهان با مبارزه و تلاش خویش سرزمین خود را از زیر سلطه قدرتهای استعمارگر رهائی داده و دولتهای مستقل از نظر سیاسی بوجود آوردند. حقوق ملتها و استقلال کشورها دستآورد سالها مبارزه استقلال طلبانه آنها بود. تغییر توازن قوای جهانی، پیدایش جنبشهای عظیم کارگری، سوسیالیستی و ضد استعماری و دموکراتیک شرایطی را ایجاد کرد که امپریالیستها ناچار شدند اشکال نوین استعمار را آزمایش کنند. استعمار کهن جای خویش را به استعمار نوین بخشید. این شرایط جدید و فشار موج دموکراسی، امپریالیستها را واداشت حقوق ملتهای را به رسمیت بشناسند و مانند سابق در جامعه ملل، آنهم با بی شرمی و صراحت لهجه و طلبکاری و بدیهی بودن، ممالک را بر اثر تناسب قوای خودی میان خودشان با خط کش تقسیم نکنند. وقتی امپریالیستها دیدند که مبارزه ملل برای استقلال و آزادی زمینه رشد سوسیالیسم و تشدید مبارزه طبقاتی را ایجاد کرده است، وقتی دیدند که مبارزه ملی بخشی از مبارزه عمومی ضد امپریالیستی شده است و تنها با این دورنما امکان حرکت به جلو، بقا و پیگیری را دارد به هراس افتاده و حقوق ملتها را برسمیت شناختند. بر این اساس همه ملل در قالب ممالک خویش دارای حقوق

برابرند. این اصل دموکراتیک مافوق نوع ایدئولوژی، مذهب، کمیت و کیفیت، رنگ پوست و نژاد، بزرگی و یا کوچکی، درجه سطح فرهنگی، زبان و... قرار دارد و برای کوبا همانقدر معتبر است که برای آمریکا.

حزب کار ایران(توفان) از این دستآورد بشریت که در مبارزه ضد استعماری و ضد امپریالیستی بوجود آمده است حمایت می کند. ما حقوق ملل را که پاسخی به سرکوب و بی حقوقی آنها در طی قرنهای بوده است برسمیت می شناسیم. این حقوق در دوران رشد سرمایه داری شکل گرفت و در قالب نهضتهای ملی با تکیه بر مجموعه اشتراک ثابتی از سرزمین، زبان، عوامل تاریخی، و همبستگی اقتصادی، ساختمان فرهنگی و روحی بروز کرد و ما بارها گفته ایم که این مبارزه ملی در دوران امپریالیسم، در دورانی که سیاست استعماری درهم شکسته شده است، برای کسب استقلال سیاسی و تشکیل دول ملی بخشی از مبارزه عمومی انقلابی و ضد امپریالیستی خلقهای جهان و طبقه کارگر جهان بوده و جهت گیری آن به سمت جلو یعنی با گرایش به جامعه بدون طبقه ماهیتا مترقی خواهد بود زیرا این مبارزه در بطن خود مبارزه ضد استعماری و نفی مناسبات گذشته را پنهان دارد و بازگشت به گذشته را بطور عینی ارتجاعی می داند. ما همواره بر آن بوده ایم که مبارزه ملی یک مبارزه طبقاتی است و از منظر مبارزه طبقاتی باید به آن نگریسته شود.

تجزیه کردن ممالک ...

می دهند. امروز سخن بر سر تجزیه نیجریه، سودان شمالی جنوبی و دارفو و نظایر اینان است. در منطقه خاورمیانه طرح کردستان بزرگ که باید یک اسرائیل دوم در منطقه ایجاد کند کم و بیش مطرح می شود. رهبران کرد بدون پرده پوشی با آمریکا و اسرائیل همکاری می کنند و حامی تجاوز آمریکا به ایران هستند. از تقسیم عراق به سه منطقه صحبت می شود و تلاشهای تجزیه طلبانه ای به تحریک و حمایت مالی سازمانهای جاسوسی غرب و بویژه موساد اسرائیل در ایران برای جدائی آذربایجان، کردستان، خوزستان و بلوچستان صورت می گیرد. هدف از این تحریکات روشن است. یک ایران تجزیه شده امکان غارت و کنترلش برای امپریالیستها... ادامه در صفحه ۱۱

پیوند جوانان، زنان، روشنفکران با طبقه کارگر از شرایط پیروزی بر نظام است

را بر ملاک ایدئولوژی استوار سازند. کمونیستها با تحلیل مشخص از شرایط مشخص اتخاذ سیاستها را مبنای تحلیل خویش قرار می دهند. آن سیاستی که در خدمت آزادی مردم فلسطین از قید اسارت امپریالیستها و صهیونیستها باشد باید مورد حمایت ما قرار گیرد. این تنها روش علمی در برخورد به واقعیت جنبش مردم فلسطین است.

حزب ما بر آن است که دفاع از جنبش مردم فلسطین نه یک دفاع ایدئولوژیک بلکه یک دفاع سیاسی است. این رهنمود است که باید مبنای تحلیل در مورد جنبشها قرار گیرد.

توفان در توئیتر

Toufanhezbkar
حزب کار ایران (توفان)
درفیس بوک

[Toufan HezbeKar](#)

facebook



Name:
Toufan HezbeKar
Email:
toufan@toufan.org
Status:
None

های امپریالیستی و صهیونیستی را محکوم کرده و معتقد است که هرگز صلحی با اسرائیل اشغالگر و متجاوز نمی تواند بوجود آید. صهیونیستها باید در درجه نخست خاک فلسطین را بدون قید و شرط ترک کنند. صلح با نیروی اشغالگر به معنی خیانت ملی و تائید ادامه اسارت است. رژیم محمود عباس که دیگر رسمیت قانونی ندارد نماینده مردم فلسطین نیست و نمی تواند بازگوی خواستها و آمال مردم فلسطین باشد. رژیم محمود عباس فاقد حمایت توده های فلسطینی است و بهمین جهت امضاء های وی فاقد اعتبار قانونی و ارزش عملی است. تلاشهای امپریالیستها و صهیونیستها تا محمود عباس را نماینده مردم فلسطین جا زنند و با وی بر سر نفی خواستهای مردم فلسطین و ادامه اسارت آنها به توافق برسند با شکست قطعی روبرو شده است.

حزب کار ایران (توفان) از مبارزات مردم فلسطین دفاع می کند. این مبارزه لیکن یک مبارزه موهومی نیست. رهبری این مبارزات در شرایط کنونی بطور عینی و مستقل از خواست ما در دست سازمان حماس است. دشمنان مردم فلسطین و یاران اسرائیل می کوشند به این بهانه، مبارزه مردم فلسطین را تخطئه کنند. ولی حزب ما اعلام می کند که حمایت از مبارزه مردم فلسطین هرگز به مفهوم حمایت از ایدئولوژی ارتجاعی سازمان حماس نیست. نه تنها ایدئولوژی حماس ارتجاعی است بلکه هر ایدئولوژی دیگری نیز بغیر از سوسیالیسم یک ایدئولوژی ارتجاعی است و منوط به سازمان حماس نخواهد بود. کمونیستها نمی توانند به صورت غیر علمی مبنای ارزیابیهای خویش

تجزیه کردن ممالک ...

پرسود تر بوده و خطرش برای عربستان سعودی و امارات متحد عربی و کویت کمتر می باشد تا یک ایران متحد و قدرتمند که در منطقه موی دماغ امپریالیستها باشد. اگر پس از انقلاب اکتبر امپریالیستها سیاست تجزیه ایران و تفرقه آنرا خاتمه یافته دانستند و با روی کار آوردن رضا خان در پی ایجاد تمرکز قدرت در مرکز شدند تا بهتر بتوانند بقول خودشان با نفوذ بلشویکها مبارزه کنند، وضعیت امروزی بیشتر بدوران قبل از انقلاب اکتبر شبیه است و معلوم نیست قرار داد ۱۹۰۷ در دستور کار سیاست راهبردی امپریالیستها قرار نگیرد.

تفرقه بیانداز و حکومت کن بیکی از ابزار سیاست راهبردی امپریالیستها بدل شده است. باین جهت کمونیستهای توفانی باید با هشجاری در دوران امپریالیسم به این تحولات توجه داشته باشند که مضمون سیاسی هر مبارزه "ملی" چیست و تا چه حد به امپریالیستها و صهیونیستها ضربه می زند. این تنها معیار تشخیص عمال امپریالیستها در منطقه و نیروهای انقلابی است. هرگونه تلاشهای تجزیه طلبانه را که زیر نام "حق تعیین سرنوشت خلقها" علم می کنند باید از این نقطه نظر و در متن این مبارزه مورد ارزیابی قرار داد.

در پشتیبانی از مبارزات...

برای اسرائیل دست و پا کنند و آماج حمله را از روی اسرائیل برداشته و متوجه جنبش مردم فلسطین گردانند. حزب ما این دسیسه

(توفان الکترونیکی شماره ۵۴ منتشر شد آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند)

در این شماره میخوانید: برگزاری موفقیت آمیز کنگره چهارم حزب کار ایران (توفان) ص. ۲، در حاشیه دروغپردازیها و شوی تلویزیونی احمدی نژاد هدفمند کردن بارانه ها هدفی برای پیشتر فشردن گلوی زحمتکشان ص. ۴، جلب حمایت بین المللی از کارگران زندانی ایران وظیفه همه نیروهای آزادیخواه، مترقی، مردمی و کمونیست است. - کارگران زندانی آزاد باید گردند ص. ۴، به یاد رفیق قدرت فاضلی ص. ۹، دستگیری دکتر فریبرز رئیس دانا را محکوم میکنیم ص. ۱۴، اطلاعیه: عملیات تروریستی در جاه بهار محکوم است ص. ۱۵، چرا جایزه نوبل به لیوشیاویو. ص. ۱۵، سخن هفته ص. ۱۶

توفان الکترونیکی

ژانویه ۲۰۱۱

دی ماه ۱۳۸۹

شماره ۵۴

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

www.toufan.org

toufan@toufan.org

مردم چرا نشستین ایران شده فلسطین

قطعه نامه کنگره چهارم حزب کار ایران (توفان) در پشتیبانی از مبارزات مردم فلسطین برای آزادی ملی

با تشکیل دولت اسرائیل، پاکسازی قومی فلسطینیها و تاراندن آنها از اسرائیل که اکثر سکنه آن فلسطینیها بودند، بوسیله سازمانهای تروریستی، که رهبران آن همزمان رهبران دولت اسرائیل بودند، آغاز گشت. دولت اسرائیل خود را رسماً دولت یهود می داند و غیر یهودیان در آن سرزمین به عنوان شهروند با حقوق برابر حق زندگی ندارند. دولت اسرائیل دولتی نژادی-مذهبی است. دولت نژاد پرست و تروریستی اسرائیل دارای سیاستی راهبردی، مبنی بر ایجاد اسرائیلی بزرگ، از دجله و فرات تا کرانه های باختری رود اردن می باشد. بر همین اساس همگام با بیرون راندن فلسطینیها از سرزمینشان و اسکان دادن یهودیانی از سراسر جهان، که هیچگاه حتی اجداد آنها نیز در فلسطین ساکن نبوده اند می خواهند که به رویای سرزمین موعود قوم یهود حقیقت بخشند. از این رو دولت صهیونیستی-فاشیستی اسرائیل از هیچ جنایتی برای پاک سازی قومی مردم فلسطین، برای نابودی کامل آنها و مصادره سرزمینهایشان رویگردان نیست. اسرائیل همچنین پایگاه امپریالیست آمریکا در منطقه می باشد و با قدرت عظیم لابیهای صهیونیسم در آمریکا، دولت آمریکا همدست دولت نژادپرست و صهیونیست اسرائیل است و با تمام نیرو از سیاستهای فاشیستی آن پشتیبانی می نماید. صهیونیستها در جنگ ۱۹۶۷ بخشهای دیگری از سرزمینهای فلسطینیها، سوریه و لبنان را اشغال نموده اند و بیت المقدس را پایتخت اسرائیل و بخش جدائی ناپذیر خاک اسرائیل دانستند. آنها با تخریب خانه ها، مزارع و نابودی تمام امکانات زندگی فلسطینیها و بدتر از همه توهین به این مردم، شهرک سازی و اسکان دادن یهودیانی از سایر ممالک در این مناطق به هدف خود یعنی "اسرائیل بزرگ" جامه عمل می پوشانند.

بعد از سازش سازمان الفتح در کنفرانس اسلو با صهیونیستها و فروش آمل فلسطینیها، شرایطی بوجود آمد که جنبش حماس با توجه به احساسات ملی مردم فلسطین موفق شد عملاً با پذیرش خواستهای آزادیخواهانه ملت فلسطین رهبری مبارزات ملی و آزادیخواهانه مردم فلسطین را بدست بگیرد. دول امپریالیستی با خرید سران فاسد الفتح و فشار بر سازمان حماس، سعی نمودند در انتخاباتی به حکومت محمود عباس که پول و اسلحه اش را از اسرائیل می گیرد مشروعیت ببخشند. مردم فلسطین با شرکت وسیع در انتخابات و بیان اراده قاطع خویش، دسیسه ای را که امپریالیستها چیده بودند، نقش بر آب کردند. این تحلیل نادرست برای امپریالیستها بسیار گران تمام شد و حتی کودتای عباس به یاری موساد نیز نتوانست در اراده مردم فلسطین برای رهایی ملی خللی وارد آورد. محاصره نوار غزه و بمباران بربرمنشانه آن با رضایت کامل امپریالیستها و متحدین ارتجاعی در منطقه که یک عمل جنایتکارانه ضد بشری بود صورت پذیرفت. امپریالیستها و صهیونیستها می کوشند تا با تکیه بر جنبه مذهبی سازمان حماس موجی از اعتراض و مخالفت علیه این سازمان بوجود آورده تا دستشان برای قتل عام مردم فلسطین باز باشد. این تبلیغات مودیانه امپریالیستی-صهیونیستی ماهیت دموکراتیک نداشته و بخشی از مجموعه سیاست نسل کشی فلسطینیان و در پناه گیری اسرائیلیهاست. امپریالیستها در حالیکه افکار عمومی بشدت از فجایع اسرائیل در نوار غزه منجر شده و به خشم آمده است با سیاست مودیانه توسل به مذاکرات صلح تلاش می کند با یاری محمود عباس و ارتجاع عرب در منطقه آبرویی ... ادامه در صفحه ۱۱

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the
Party of Labour of Iran

No. 130- Jan. 2011

تجزیه کردن ممالک

نقل از سند گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره چهارم حزب ایران
از قدیم ملتها در تجربه خود گفته اند یکدست صدا ندارد. این تجربه بدان مفهوم است که اتحاد و همبستگی موجب نیروی بیشتر و نیروی بیشتر ضامن پیروزی و موفقیت گسترده تر خواهد شد. تجربه یوگسلاویزه کردن بالکان و یا تجزیه کردن عراق و یا تجزیه هندوستان بزرگ به سه کشور هندوستان و پاکستان و بنگال دش نشان می دهد که امپریالیستها در پی تجزیه کشورها هستند. این تجزیه به آنها امکان می دهد بخشهای جداگانه را به زیر نفوذ خود در آورند، از آنها مستعمره بسازند و بهتر آنها را غارت کنند. نمونه های کرواسی، بوسنی، هرزه گوین، کوزوو، ممالک بالتیک، در مقابل ماست که به ممالک مستعمره بدل شده اند. همین روش را امپریالیستها در مورد چین و روسیه در پیش ... ادامه در صفحه ۱۰

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی رسانید، زیرا ما تنها با اتکا بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزافست مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573302600
Germany

شماره دورنگار (فاکس) آلمان 069-96580346

آدرس
Toufan
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany